

بازداشت شهردار مقتدر تهران؛

ماجرای روی پرده. ماجراهای پشت پرده

«برای تهیه، نصب و راه‌اندازی پروژه سمعی و بصری روزنامه همشهری مبلغ دو میلیارد و پانصد و هفتاد و سه میلیون ریال به یک شرکت پرداخت شده و مانده هزینه‌های انجام شده خارج از بودجه شهرداری تهران در سال ۷۲ حدود ۲۴ میلیارد ریال است که هنوز تسویه نشده است. در بخشی از گزارش

سازمان حسابرسی آمده که دفاتر سازمان مهندسی و عمران شهر تهران یک مغایرت ۳۶ میلیارد ریالی با دفاتر شهرداری مذکور دارد و مشخص هم نیست که این مغایرت ناشی از چه چیز می‌باشد» روزنامه رسالت ۷۴/۴/۲۹

اما این تحقیق و تفحص نیز مانند تحقیق و تفحص در مورد عملکرد بنیاد مستضعفان و چند مورد دیگر به بایگانی سپرده شده و شهردار مقتدر تهران همچنان بر مسند

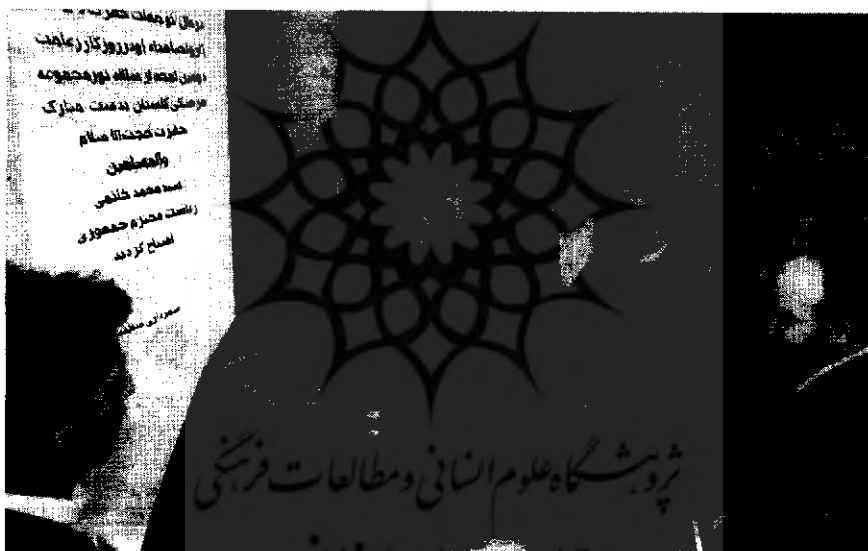
آن حد حساسیت نشان داد که گفت: «چون آقای کرباسچی از مدیران آقای هاشمی رفسنجانی بود، مسلماً اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام روی این مسأله موضع‌گیری داشته باشد، خیلی مفید [است] و به حل این قضیه کمک خواهد کرد» روزنامه ایران ۷۷/۱/۱۷

روز پانزدهم فروردین با بازداشت آقای غلامحسین کرباسچی شهردار مقتدر تهران که گروهی وی را مرد شماره دوی گروه سیاسی کارگزاران سازندگی می‌دانند، نقطه عطفی در فضای سیاسی ایران ایجاد شد.

وی که تا مدتی پیش از برگزاری پنجمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۵

از جمله شخصیت‌هایی بود که کمتر فرد یا گروه سیاسی حاضر می‌شد مبارزه و رو در روئی جدی با وی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار دهد، پس از برگزاری آن انتخابات، و به دلیل نقشی که وی در آن ایفا کرد در کانون توجه و حساسیت چند گروه سیاسی، و بویژه گروه موسوم به راست سنتی قرار گرفت. این حساسیت در سال ۱۳۷۶ و پس از انجام انتخابات ریاست جمهوری، و باز هم به دلیل نقش وی

در این انتخابات به اوج رسید. این نکته را خانم فائزه هاشمی نماینده مردم تهران و دختر آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به صراحت بیان کرد و گفت: جرم آقای کرباسچی حضور در جمع کارگزاران و جریان انتخابات مجلس پنجم و انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری و پیروزیهای وی در این جریان است. خانم فائزه هاشمی نسبت به این بازداشت تا



همراهی آقای کرباسچی در سفر آقای هاشمی رفسنجانی به عربستان سعودی (در اسفند) و بازدید آقای خاتمی رئیس جمهور از دهها طرح عمرانی شهرداری (در آخرین روزهای سال گذشته) این تصور را ایجاد کرد که برای شهردار نوعی مصونیت ایجاد شده است.

خود باقی ماند.

البته گفتنی است که قبل از سال ۱۳۷۵ نیز حساسیت‌هایی در مورد شهردار تهران نشان داده می‌شد، و از جمله پرونده عملکرد او در کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی و سپس در جلسه علنی مجلس مورد بررسی قرار گرفت و اتهامات زیادی به او نسبت داده شد. مثلاً آقای کوهکن در خرداد ۱۳۷۴ و بهنگام تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری گفت:

واکنش‌های سریع و حاد

پیش از آنکه به پیشینه روندی که به بازداشت آقای کرباسچی انجامید اشاره کنیم لازم است به نحوه بازداشت، و مستند قاضی برای صدور حکم بازداشت وی پرداخته شود. آقای نومیری رئیس دادگاه شعبه ۲۶ عمومی تهران (مستقر در مجتمع قضائی ویژه) با

استناد به تبصره ۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء (مصوب ۶۴/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام) حکم بازداشت آقای کرباسچی را صادر، و او را روانه زندان اوین کرد. متن تبصره مذکور از این قرار است:

«هرگاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهائی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچگونه حقوق و مزایائی تعلق نخواهد گرفت.»

شاید عمده‌ترین دلیلی که موجب بروز واکنش‌های شدید از سوی جناح‌های سیاسی موافق آقای کرباسچی و حتی هیأت دولت شد، استناد قاضی به همین تبصره، و فرستادن آقای کرباسچی به زندان اوین که در فرهنگ جامعه ما به جایگاه زندانیان سیاسی شهرت یافته، بوده است.

قاضی با استناد به این تبصره در واقع هر اقدامی را برای آزادسازی آقای کرباسچی (از قبیل سپردن ضمانت، وثیقه و...) غیرممکن کرد. از طرفی اعزام متهم به زندان اوین می‌توانست چنین تعبیر شود که با موضوع برخورد سیاسی شده است، کما این که موافقان آقای کرباسچی، و از جمله سخنگوی دولت (آقای عطاءالله مهاجرانی) یا به صراحت و یا در لقافه، این برخورد را برخوردی سیاسی دانستند.

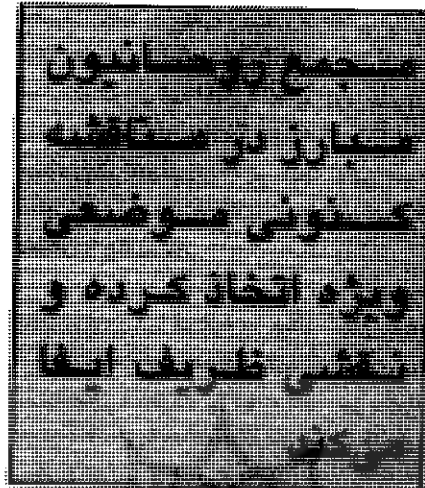
ساعتی پس از انتشار خبر بازداشت آقای کرباسچی، شخصیت‌ها و سازمان‌های سیاسی و حتی وزارت کشور نسبت به این اقدام واکنش نشان دادند. روز ۱۶ فروردین این واکنش‌ها که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود در مطبوعات چاپ شد.

مدیرکل روابط عمومی وزارت کشور؛ وزارت کشور در زمینه دستگیری غلامحسین کرباسچی شهردار تهران که روز گذشته صورت گرفت ابهامها و اعتراضهایی دارد که در صورت لزوم به استحضار عموم خواهد رسید.

● حسین مرعشی نماینده مردم کرمان و

نایب رئیس مجمع حزب الله مجلس (متماثل به کارگزاران)؛ «این حرکت تضعیف‌کننده دولت و شخص رئیس جمهور است. مردم باید هشیار باشند و از رئیس جمهور و همکارانش دفاع کنند.»

کارگزاران سازندگی؛ «پیش از این اعلام



شده بود پرونده شهرداری تهران یک پرونده سیاسی است، بازداشت شهردار تهران در نخستین روزهای کاری فعالیتهای اجرایی و قضائی دلیل روشنی بر همان نظر است.»

جلیل اکبری (شهردار منطقه ۸)؛ «اگر شهردار تهران حذف شود باید برای آقای یزدی هم مراسم تودیع برگزار شود... پیش‌بینی می‌شود اگر فرجام این ماجرا به محکومیت آقای کرباسچی بینجامد، به زودی شاهد گشوده شدن پرونده‌های دیگر از گروه‌های پیروز در انتخابات از سوی قوه قضائیه خواهیم بود و پرونده شهردار تهران به هر نتیجه‌ای که برسد حمله‌های آتشبار قوه قضائیه را شدت خواهد بخشید.»

آقای بهزاد نبوی، عضو مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی پا را از این حد هم فراتر گذاشت و گفت: «جناح مغلوب در انتخابات با دستگیری شهردار تهران در پی ایجاد تشنج و انجام حرکت شبه کودتا است.» (همشهری شماره ۱۵۱۴۰)

در نقطه مقابل، مخالفان آقای کرباسچی و روابط عمومی قوه قضائیه بازداشت وی را اقدامی غیرسیاسی و در راستای انجام مأموریت و رسالت قوه قضائیه توصیف کردند.

محسن اژه‌ای (سرپرست مجتمع قضائی

ویژه)؛ «دادگستری تهران بدور از هرگونه جهت‌گیری سیاسی به پرونده غلامحسین کرباسچی رسیدگی و در صورت احراز مجرمیت وی، براساس موازین قانونی رأی صادر خواهد کرد.»

محمدرضا باهنر نماینده مجلس (از جناح مخالف)؛ «کرباسچی در حیات اجتماعی خود خدماتی کرده و الان نیز در کنار خدماتش متهم به یک سری مسائل ضد قانون است و باید سعی کرد بدون سیاسی کردن این مسأله به این موارد اتهامی رسیدگی شود.»

مرتضی نبوی رئیس کمیسیون امور اقتصادی و دارائی و تعاون مجلس و مدیر مسئول روزنامه رسالت؛ «عنوان کردن این مطلب که بازداشت یکی از مدیران کشور باعث تضعیف دولت خواهد شد، به این معنا است که می‌خواهیم برای دستگاه اجرایی، مصونیت قضائی ایجاد کنیم. آقای کرباسچی در دولت قبل هم شهردار بود و بیشتر فعالیت‌هایش در آن زمان صورت گرفته است. ای کاش قوه قضائیه همان اوایل که مسأله تخلف شهرداری مطرح بود، آنها را بررسی می‌کرد تا کار به این همه سوء استفاده‌های میلیارد تومانی نرسد.»

اما مهم‌ترین رویداد، موضع‌گیری صریح و علنی هیأت دولت در مقابل بازداشت آقای کرباسچی بود.

روز بعد از بازداشت وی، هیأت دولت در جلسه‌ای ۵ ساعته بازداشت شهردار مقتدر تهران را مورد بررسی قرار داد و موضع قاطع و صریح خود را در این زمینه اعلام کرد. آقای مهاجرانی در سخنانی که به نوشته روزنامه ایران (۱/۱۷) از طرف تلویزیون سانسور شد، مواضع دولت را برشمرد، و از جمله گفت:

«... بازداشت شهردار تهران و کسی را که در جلسات دولت هم که نزدیک به یک دهه است شرکت می‌کند، عیدی خوبی نبود که دستگاه قضائی به دولت داد... بازداشت شهردار تهران طبیعی است که موجب تزلزل در مدیریت کشور خواهد شد... جناب آقای کرباسچی از نظر دولت همچنان شهردار تهران هستند... انتظار می‌رود همان گونه که پرونده تخلفات شهرداری مطرح است، پرونده تخلفات بخشی از دستگاه قضائی در این مسأله مهم هم حتماً بررسی شود...»

در راستای زیر سؤال بردن عملکرد قوه

قضایه روزنامه جامعه که بازگوکننده نظریات طیفی از روشنفکران مسلمان است، موضوع را بسط داد و خیلی صریح به عملکرد رأس قوه قضائیه نیز اشاره کرد. این روزنامه روز ۱/۱۷



آیت‌الله محمد یزدی رئیس قوه قضائیه بر غیرسیاسی بودن بازداشت شهردار تأکید دارد.

در ستون «با مسئولیت سردبیر» خود که بمثابة سرمقاله آن است، نوشت:

از آنجا که در حکم دستگیری، به مسئولیت قانونی شهردار در زمینه اقدامات شهرداران مناطق اشاره شده است، الزام طبیعی و حقوقی این امر آن است که دادگاه می‌باید آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری سابق و آقای بشارتی وزیر پیشین کشور را نیز برای ادای توضیحات به دادگاه فرا خواند، زیرا همانگونه که در گذشته نیز آقای کرباسچی بارها اشاره کرده است، وی اکثر کارهای خود را با تأیید مقامهای یاد شده انجام داده است. افزون بر این در جریان معاکمات معاون مالی و اداری شهرداری تهران، پرداخت مهالفی به آقای علی هاشمی، پسر عموی آقای رفسنجانی و رئیس تولیدات شرکت ملی نفت ایران مطرح گردید، ولی برای ادای توضیح و شهادت به دادگاه فرا خواننده نشد که این نیز به نوبه خود باعث برانگیز است.

از الزامات دیگر چنین اقدامی، رعایت عدالت و تساوی در برخورد با مسایل مشابهی

است که در نهادهای دیگر از جمله در قوه قضائیه رخ داده است. برای مثال در جریان معاکمات برادران افراشته در سال گذشته، نامبردگان به طور صریح اعتراف کردند که به مجتمع قضایی شمیران رشوه پرداخت کرده‌اند و یا کلاتری منطقه شمیران را با پول خریداری کرده‌اند که این اعترافات در مطبوعات نیز به چاپ رسید و سؤالاتی را در افکار عمومی برانگیخت. بنابراین رسیدگی به فساد در درون قوه قضائیه که به اقرار صریح این متهمان صورت گرفت، از هر کاری ضروری‌تر است، زیرا اگر دستگامی خود امکان آلودگی داشته باشد، نمی‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند.

در همین چارچوب، سؤالاتی در مورد حضور رئیس قوه قضائیه در هیأت امنای بنیاد فاطمیه، که مالکیت کارخانه لاستیک‌سازی دنا (پریجستون سابق) را بر عهده دارد نیز مطرح است. گفته می‌شود کارخانه مزبور به قیمتی بسیار پائین‌تر از قیمت واقعی آن، به بنیاد فاطمیه فروخته شده است. از آنجا که کارخانه مزبور، در شمار معدود کارخانه‌های سودآور سازمان صنایع بوده است، کارگران و کارکنان آن نیز در چند مورد با صدور اعلامیه‌هایی به این اقدام معترض بودند و تخلفات دیگر آنها را از جمله امتناع از فروش سهام به کارگران، و تقسیم پولهای هنگفت میان اعضای هیأت مدیره ... به مقامات، از جمله رئیس قوه قضائیه، مطرح کردند ولی در این موارد هیچ‌گونه رسیدگی به عمل نیامده است. رسیدگی به این قبیل موارد که به نوبه به اعضای قوه قضائیه مربوط می‌شود، از رعایت عدالت و بی‌طرفی قوه قضائیه حکایت می‌کند.

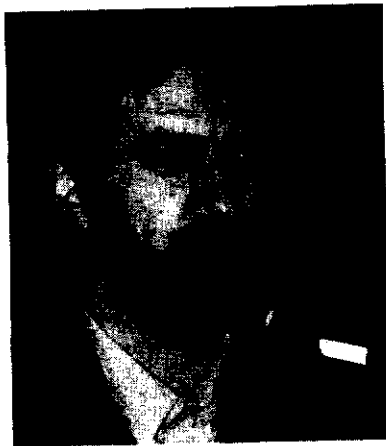
مرور پیشینه ماجرا

روندی که به بازداشت آقای غلامحسین کرباسچی و ایجاد یک فضای سیاسی غیره منتظره در آغاز سال ۱۳۷۷ منجر شد به پس از برگزاری انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی باز می‌گردد. در آن انتخابات، شهرداری امکانات وسیعی را برای حمایت از کاندیداهای مورد نظر گروه موسوم به کارگزاران تدارک دید. از معاونان شهردار (آقای آشوری)، و چندتن از شهرداران مناطق (آقای تاجران شهردار منطقه ۲۰ و همچنین شهرداران مناطق ۴ و ۱۲، یعنی

آقایان تقوامنش و نصیری) نیز جزو کاندیدها بودند و برای انتخاب آنها تبلیغات وسیعی هم انجام شد (آقای تقوامنش سپس در جریان همان انتخابات به طیف مقابل پیوست). گرچه هیچ کدام از این افراد به مجلس راه نیافتند، معهذاً نتایج آن انتخابات تا حد زیادی موافق انتظارات گروهی که آقای کرباسچی نیز به آن وابسته است از کار درآمد.

اعضای طیف رقیب، از همان فردای انتخابات زمزمه‌هایی را در مورد سوء استفاده از امکانات شهرداری برای تبلیغ به نفع کاندیداهای مورد حمایت شهردار و یاران سر دادند. زمزمه‌هایی که بعداً تبدیل به یک پی‌گیری مستمر و گام به گام شد.

نخست ضعیف‌ترین و بی‌احتیاط‌ترین همکاران شهردار مقتدر تهران را هدف قرار گرفتند (شهرداران مناطق یک و دوازده و ده). با جمع آوری مدارک از سوی دستگاههای مختلف علیه این افراد، در دادگستری پرونده‌هایی تشکیل شد، اما در جریان محاکمه این گروه کمتر



دکتر مهاجرانی (وزیر ارشاد و سخنگوی دولت)، دولت آقای کرباسچی را شهردار تهران می‌داند.

نامی از شخص آقای کرباسچی به میان آمد. با گذشت زمان، مخالفان شهردار رده‌های بالاتری از همکاران ایشان را زیر سؤال بردند که از جمله می‌توان به آقایان ابریشم کار و قبه (معاونان شهردار) اشاره کرد. در جریان محاکمه این گروه رفته رفته نام آقای غلامحسین کرباسچی به میان آمد و متهمان مزبور در توجیه اعمال خود اظهار می‌کردند که مجری

دستورات شخص آقای کرباسچی بوده‌اند. در همین مرحله شهرداران مناطق ۵ - ۶ و ۱۶ و رؤسای برخی سازمانهای شهرداری (مثلاً رئیس

بازداشت شود.

ساکنان «اوین» پیوست. آن هم با شرایطی که امکان هرگونه اقدام برای آزادسازی او را به مدت یکماه غیرممکن کرده بود.

تمهیداتی که مؤثر واقع نیفتاد

در چنین جوی، آقای هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در سفر پراهمیت خود به عربستان سعودی آقای کرباسچی را نیز همراه برد. برخی مطلعین اظهار کرده‌اند قرار بود همان زمان آقای کرباسچی بازداشت شود که سفر مزبور اجرای این برنامه را به تعویق انداخت.

جز این، روز ۲۶ اسفند آقای خاتمی رئیس جمهور در مراسم افتتاح دهها طرح عمرانی، فرهنگی، ورزشی و خدماتی شهرداری در مناطق مختلف تهران شرکت کرد و سخنان مشروحی در تأیید اقدامات شهرداری بر زبان راند.

این هر دو ماجرا که اقداماتی نمادین در حمایت از آقای کرباسچی از سوی دو شخصیت درجه اول کشور (رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام) بود، این تصور را ایجاد کرد که برای شهردار مقتدر پایتخت نوعی ایمنی ایجاد شده است. اما این خوش‌بینی چندان دوام نیاورد و در ۱۵ فروردین شهردار به جمع

پیامدها

چهار روز پس از بازداشت آقای غلامحسین کرباسچی، روزنامه همشهری (ارگان شهرداری) که در این مدت فقط به انعکاس اخبار و اظهارنظرهای ارائه شده در این زمینه بسنده می‌کرد، سرمقاله روز ۱۱/۱۸ خود را به ریشه‌ها و علل این بازداشت اختصاص داد.

فراز پایانی این سرمقاله نکته‌ای را بیان می‌کند که به عقیده بسیاری از کارشناسان علت العلیل مناقشات راست سنتی (بازاریان و گروههای وابسته به ایشان و یا حامی آنها) با تکنوکرات‌ها (کارگزاران سازندگی) است. فراز مزبور به این شرح است:

در مورد زمینه‌ها و ریشه‌های برخورد کنونی با غلامحسین کرباسچی و به طور کلی مدیریت اجرایی کشور، به عوامل گوناگونی از جمله نقش وی در دو انتخابات اخیر اشاره می‌شود.

**رفایت دو گروه
سیاسی عمده
(کارگزاران و راست
سنتی) مصداق
ضرب المثل «زدی
ضربتی، ضربتی
نوش کن» را پیدا
کرده است.**

سازمان کنترل ترافیک) نیز به بازداشت‌شدگان قبلی پیوستند.

در این مرحله آقای کرباسچی موضعی اتخاذ کرد که بزعم گروهی یک اشتباه فاحش، و بزعم عده دیگری نشانه‌ای از قاطعیت مدیریتی او بود. این موضع، پذیرش مسئولیت اعمال متهمان در حال محاکمه شدن بود. شهردار تهران در این مرحله چند بار با قاطعیت مسئولیت اعمال و رفتارهای مدیریتی همکاران خود را به گردن گرفت.

این موضع همان موقعیتی را ایجاد کرد که مخالفان شهردار آرزویش را داشتند.

از این مرحله به بعد، علیرغم حمایت شخصیت‌های برجسته کشور از آقای کرباسچی، خود او در مرکز حملات مخالفین قرار گرفت.

شهردار تهران ابتدا به عنوان «مطلع» به دادگستری فراخوانده شد. او ۶ بار با همین عنوان به شعبات ۳۳ و ۲۶ دادگاه عمومی فراخوانده شد و در تمامی موارد با سپردن تأمین یا التزام، و پس از پاس‌خوئی به پرسش‌های قضات از دادگستری بیرون می‌آمد و کار عادی خود را از سر می‌گرفت.

با این وجود، رفته رفته دامنه انتقاد و اتهام زدن به آقای کرباسچی وسعت می‌یافت و بالاخره چنان شد که در واپسین روزهای سال ۱۳۷۶ ناظران احتمال می‌دادند وی عن‌قرب

ماجرای شهردار و شایعات

در مسیر حرکت ماجراهای بازداشت شهردار تهران، علاوه بر دلایل و علت‌هایی که موافقان و مخالفان آقای کرباسچی، به صراحت، یا به تلویح در مورد بازداشت وی به افکار عمومی منتقل می‌کردند، یک سلسله شایعات هم که منبع خلق و پردازش آنها نامشخص است، نقل محافل بود. سه فقره از قابل توجه‌ترین این شایعات عبارت است از:

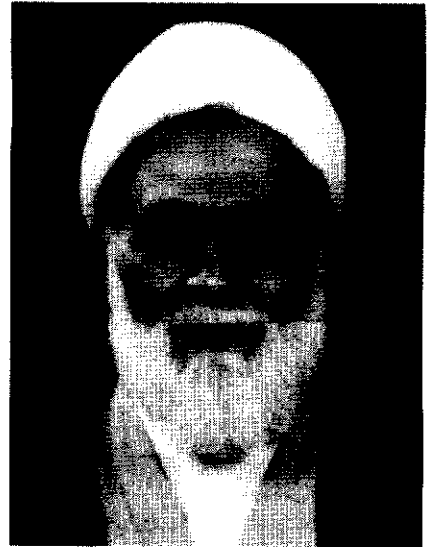
- کُلّ ماجرا ساخته و پرداخته دستگاههای تبلیغاتی حکومت است تا توجه مردم از اموری نظیر حرکت آرام و جدی تجدید رابطه بین ایران و عراق، بی‌آنکه ایران به حقوق خود (و از جمله غرامت جنگ) دست یابد، و همچنین مقدمه‌چینی برای آغاز گفتگو با آمریکا که با سفر آقای رفسنجانی به عربستان زمینه آن فراهم شده است، منحرف شود. - این یک بازی ساختگی است تا مردم سنگینی موج جدید تورم، و گرانی روز افزون قیمت‌ها را فراموش کنند.

- با بازداشت آقای کرباسچی قصد دارند از او قهرمانی بسازند و زمینه را برای رئیس‌جمهور شدن وی فراهم کنند. وی جانشین بالقوه آقای خاتمی خواهد بود.

چنانکه ذکر شد منبع خلق و پردازش این شایعات مشخص نیست، اما افراد زیادی بودند که یک یا همه این شایعات را باور داشتند و با حرارت از درستی و موثق بودن «شنیده‌ها» و «دانسته‌ها»ی خود دفاع می‌کردند.

این سطور در آخرین لحظات بسته شدن صفحات این شماره ماهنامه نگارش یافته است. علت هم آنکه همکاران تحریری و اداری ما در گفتگوهای روزهای اخیر خود بارها به هم می‌گفتند: «دیشب در یک محفل خانوادگی شنیدم که...» یا «دیروز فلان آدم با حرارت می‌گفت...» و یا «در اتوبوس دو نفر صحبت می‌کردند و می‌گفتند...»

این نقل قولها نشان داد بازار شایعات در حد وسیعی دایر بوده است و لذا دریغمان آمد بار دیگر عملکرد شایعه در غیاب اطلاعات شفاف را مورد یادآوری قرار ندهیم.



آقای ناطق‌نوری (رئیس مجلس شورای اسلامی) در مورد بازداشت شهردار موضع سکوت پیشه کرده است.

اما از آنجاکه این کشمکشها و تحولات در تمام ۱۵ سال اخیر در قالبهای گوناگونی مانند مناقشه جناحهای سیاسی، اختلاف بین قوای مجریه و مقننه... جریان داشته، منوط و منحصر کردن آن به غلامحسین کرباسچی و نهاد شهرداری تهران، اندکی ساده‌اندیشی است.

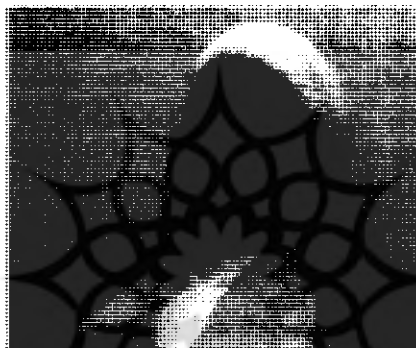
بسیار ساده و کوتاه، مناقشه کنونی در ایران، نبرد بین «تجارت» ناسالم و مخرب اما سه هزار ساله ایران از یک سو، و نظام «تولیدی» و عمدتاً صنعتی نوپای کشور از سوی دیگر است.

همشهری دست کم در این مورد تصویری نسبتاً درست ارائه داده است (البته فقط در فراز پایانی). ریشه اصلی مناقشات گذشته و کنونی دو جناح نیرومند سیاسی کشور در همین واقعیت نهفته است. منافع و بقای این دو گروه در تضاد همه جانبه با یکدیگر است. حتی می‌توان گفت پیروزی قطعی یکی از این دو جریان ممکن است به حذف کامل آن دیگری منجر شود. بدین لحاظ بود که در جریان هفتمین انتخابات ریاست جمهوری کارگزاران هر چه را در توان داشتند بکار بستند تا مانع پیروزی کاندیدای مورد حمایت راست سنتی شوند، و موفق هم شدند.

در اینجا سئوالی پیش می‌آید. این سئوال که نقش متحد کنونی کارگزاران، یعنی مجمع روحانیون مبارز و گروههای وابسته به ایشان

چيست؟ این سئوال زمانی اهمیت می‌یابد که در نظر بگیریم این گروه در گذشته از منتقدان سرسخت برنامه‌های اقتصادی کارگزاران بوده‌اند و آن را عامل تعمیق شکاف طبقاتی می‌دانسته‌اند.

باید دانست اتحاد این مجمع با کارگزاران عقد اخوت دائمی نیست. آنها به دلیلی که خود آن را انحصار طلبی راست سنتی می‌خوانند، و نیز به این دلیل که از مسائل دینی و ولایت فقیه قرائت خاصی دارند در انتخابات مجلس پنجم و رئیس جمهور کنونی با کارگزاران ائتلاف کردند. اما این ائتلاف همه جانبه و بی‌قید و شرط نیست. مجمع روحانیون مبارز در مورد همین ماجرای بازداشت شهردار موضوع ویژه و ظریفی گرفت که تبلور آن را می‌توان در جمله زیر که از خیر مربوط به تشکیل جلسه کمیته



آقای عبدالله نوری وزیر کشور پر نحوه بازداشت شهردار معترض است.

سیاسی مجمع مزبور (چاپ شده در روزنامه سلام مورخ ۱/۱۸) استخراج شده، مشاهده کرد: «سایه شگفتی است که چرا عملکرد شهرداری تهران که در زمان دولت سابق انجام شده است و مورد تأیید و حمایت مکرر ریاست جمهوری سابق بوده است اکنون به عنوان مشکلی فراروی دولت جدید ساخته و پرداخته می‌شود؟»

با توجه به مواردی که تا کنون ذکر شده نمی‌توان گفت بازداشت شهردار تهران فاقد انگیزه‌های سیاسی است. اما در عین حال تا زمان برگزاری محاکمه و اعلام رأی دادگاه و بررسی مستندات نمی‌توان در مورد اقدام قوه قضائیه در این زمینه اظهار نظر کرد و مثلاً مدعی شد در ماجرای مورد بحث موازین حقوقی دستاویز مقاصد سیاسی شده است. بهر تقدیر اکنون بازداشت آقای کرباسچی صیغه‌ای کاملاً سیاسی یافته است.

جناح مقابل نیز انگشت روی نقاطی که راست سنتی نسبت به آن حساسیت دارد، گذاشته است:

آقای مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با ظرافت از یک تخلف کلان مالی در مدیریت قبلی وزارت ارشاد سخن می‌گوید (آقای میرسلیم وزیر قبلی فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو جمعیت مؤتلفه اسلامی است)

حجت الاسلام منتجب‌نیا نیز می‌گوید برخورد با پرونده بنیاد مستضعفان و کمیته امداد مقدم بر پرونده شهرداری تهران است. (آقای عسگرولادی مرد شماره یک جمعیت مؤتلفه اسلامی در رأس کمیته امداد امام راحل قرار دارد؛ وی از شخصیت‌هایی است که قویاً برخورد سیاسی با پرونده شهردار تهران را نفی می‌کند و این ماجرا را رویدادی صرفاً قضائی می‌داند.)

در واقع می‌توان گفت وضعیت کنونی مصداق این ضرب المثل را دارد که «زدی ضربتی، ضربتی نوش کن»

ادامه این روند اگر با در نظر گرفتن مصالح عالیله کشور از جانب گروههای درگیر توأم باشد، یک رقابت سیاسی سالم و سازنده را در پی خواهد داشت که در نهایت به اصلاح بسیاری از امور منجر می‌شود. اما اگر یک طرف، یا طرفین



آقای حبیب‌الله عسگرولادی (دبیرکل جمعیت مؤتلفه اسلامی)؛ بازداشت شهردار تهران یک امر صرفاً قضائی است.

همه قواعد بازی را نادیده بگیرند، آن زمان است که امکان دارد جامعه ما تشنج‌هایی را شاهد باشد.

